



۲۰۱۶/۰۳/۱۹



دوکتور ثمین

## بهار خون و آتش

این مضمون چند روز پس از فاجعه قتل دختر بیگناه، بی پناه و مظلوم افغان "فرخنده" که هنوز معلومات دقیقی از جریان کشتار وحشیانه آن هموطن مظلوم و بی دفاع در دست نبود، تحریر گردیده است.

رفته رفته باز بهار آمد و گل های یاسمین و نسترن یاشماق را از سیمای رنگین خود دور نموده از فرسنگ ها دور به رویت می رسند، گل های سپید و سرخ لاله چون خون افغان های مظلوم در اطراف و اکناف دامنه های کوه به رویت می رسند. عندلیبان و بلبلان دوباره به نغمه سرایی آغاز نموده و از هر طرف آواز مستی رودخانه ها به گوش می آید و حتی حشرات و خزنده ها بعد از خواب سه ماهه زمستانی مجددا از غار های خویش بیرون شده و به کار و فعالیت آغاز کردند. لیکن در کشور عزیز ما افغانستان خبری از بهار نیست و همه در سوگ و ماتم نشسته اند.

می زیبد شعر آسمانی قافله سالار شعر و ادب افغانستان استاد بزرگ خلیلی الله خلیلی "سفیر" ماتم را در اینجا بنویسیم:



گویید به نوروز که امسال نیاید  
در کشور خونین کفنان ره نگشاید  
بلبل به چمن نغمه شادی نسراید  
خونین کفنان را لب پر خنده نشاید

آری! بهار است لیکن از بهار ما بوی خون و آتش به مشام می آید، بهار است لیکن تا کنون بدبوی و هویدا نیست که دولتمردان ما را در مجمر معرفی کابینه خود کباب می کنند و یا اینکه هنوز هم در خواب خرگوش بسر می برند، بهار است لیکن دشمنان افغانستان تاکنون برای کشتن، بستن، تاختن و خون ریختن ما برنامه ریزی می کنند، بهار است لیکن تا کنون دل دشمنان این خاک بر ما یخ نشده است، بهار است لیکن تا کنون محصلین ما از تقلب در امتحان کانکور ناله و گریه می کنند لیکن کسی به فریاد های شان گوش نمی دهد، بهار است لیکن تا کنون غرش تانک ها و فیر کلشنیکوف ها و هاوان ها در گوش های ما طنین می اندازد، بهار است لیکن تا کنون دشمنان ما شهرهای ما را آماج حملات ناجوانمردانه انتحاری خویش قرار می دهند، بهار است لیکن تا کنون مکاتب و مدارس ما طعمه حریق می شوند، بهار است لیکن تا کنون وزارت خانه های ما از عدم تکریم به اصول شایسته سالاری ناله و فریاد می کنند، بهار است لیکن تا کنون بیسوادان و ابن الوقت ها به کمک حامیان حقوق بشر لجام امور ما را در دست داشته

و ما را به ورطه فلاکت و نکبت پرتاب می کنند، بهار است لیکن تا کنون سرک های ما به وسیله ماین ها تخریب می شوند، بهار است لیکن تا کنون کودکان ما بر جسد پدر و مادر خویش گریه می کنند.

به غایت اسفبار است که جهانیان آغاز بهار را فصل نوین می شمارند و برای حلول آن لمحہ شماری می کنند لیکن ما درین خطه بهار را با خون و آتش استقبال می کنیم. حتی "بان کی مون منشی سازمان ملل می گوید که بهار امسال خطرناکتر خواهد بود. هکذا مخالفین مسلح دولت نیز هشدار می دهند که با آمدن بهار آنها حملات خویش را مضاعف خواهند کرد. آیا رقتبار نیست که برای دیگران بهار به مثابه فصل مسرت و خوشی است لیکن بهار برای ما نوید غم و سوگ را می دهد.

ایکاش و صد ایکاش ما هم بهار می داشتیم و به مثل جهانیان ازین فصل زیبا استقبال می کردیم. ایکاش هموطنان ما بدیل تهیه کفن برای شهدای خویش، دسترخوان هفت سین و هفت میوه را چون سالیان پارین آماده می کردند، ای کاش گرسنه گان ولایات کندز، بدخشان و لوگر یک لقمه نان خشک می داشتند، ای کاش جوانان ما بدیل خط مقدم به مکتب می رفتند و ای کاش جوانان ما بدیل تفتگ قلم را در دست می داشتند.

### **ای بهار شکنان افغان شما را می گوئیم!**

دیگر بس است این جنگ و پرخاش و دیگر بس است خون ریختن افغان ها. این چندمین بهارست که ما آنرا با خون و آتش استقبال می کنیم. آخر افغان ها نیز به مثل دیگران انسان هستند و آنها نیز سزاوار زیستن درین کره خاکی اند. تا چه وقت جنگ و برای چه؟؟ اندکی فکر کنید و ببینید جهان در کجاست و ما در کجا هستیم. جهانیان نوید تحت سیطره در آوردن سیارات دیگر را می دهند لیکن شما هشدار می دهید که درین بهار حملات تان را تشدید خواهید کرد و بیشتر از سابق افغان ها را به فلاکت و نکبت مواجه خواهید کرد، شما ها برای اضمحلال وانهدام افغانستان آماده گی می گیرید لیکن دیگران برای تذهیب کشور های خویش با لحه و پیرایه ساینس و تکنالوژی جد و جهد می کنند. شما ها مکتب ما را آتش می زنید لیکن دیگران برای جوانان خویش مکاتب پیشرفته اعمار می کنند، شما ها با پول ملت افغان در دویی و دوحه قصر های زیبا را خریداری می کنید لیکن دیگر در تکاپوی پیشرفت و ترقی کشور های خویش هستند، شما ها در سعی و تلاش تنظیم پروری و حاشیه پروری هستید لیکن دیگران در سعی و تلاش سر افزای ملت های خویش هستند، شما ها برای پیشرفت و ترقی این کشور هیچ برنامه ندارید لیکن دیگر بطرف مهتاب قدم بر می دارند، شما ها خود نو روز و عید را با لباس های زیبا و فریبا تجلیل می کنید در حالیکه ملت مظلوم افغان استطاعت خریدن یک لقمه نان خشک را ندارد.

### **ای جنابان بهار شکن!!**

یک بار به حال زار مردم فقیر کمپ چمتله نگاه کنید، یک بار به حال فلاکت بار گرسنه گان بدخشان و قندز نگاه کنید، یکبار به حال مردم هلمند و قندهار نگاه کنید که از گرسنگی فریاد مردم به فلک رسید لیکن شما ها چنان می پندارید که افغانستان گل و گلزار است و مردم شب و روز به مثل خود تان پلو و کباب تناول می کنند. بدین ملحوظ دیگر بخاطر خدا و رسول پاکش بهار ما را به خون و آتش مبدل نکنید. آخر ما هم انسان هستیم و چون دیگران سزاوار داشتن بهار صلح و سلم و بهاری هستیم که در آن یک لقمه نان خشک و یک قطره آب آشامیدنی داشته باشیم.

**پایان بی پایان**